



بازتاب نیایش در قصاید سعدی شیرازی

غلام رضا دانش پژوه^۱، دکتر ناصر کاظم خانلو^۲

۱. نویسنده مسئول، دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام

rezasegal@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور همدان

pnu.khanloo@yahoo.com

چکیده

نیایش یکی از روحانی‌ترین ابعاد زندگی هر مؤمن است. در همه ادیان آسمانی متناسب با تلقی و درک مؤمنان از دین شیوه‌ها و شکل‌هایی برای راز و نیاز با معبود فراهم شده است. شاعران هم به عنوان دارندگان روح‌های لطیف و حساس در لابلای اشعار خود مناجات‌هایی نغز و دلنشین گنجانده‌اند که از لطیف‌ترین فرازهای آثارشان است. از شگفتی‌های عالم اخلاق و عرفان و معنویت می‌توان به وجود تباری از شاعران و نویسندگان بزرگ یاد کرد که همواره در طول تاریخ و در هر شرایطی معلم اخلاق و خداشناسی بوده و هستند و حکایات و اندرزهای آنان نشانه حکمت و معرفت عمیق آنها نسبت به خداوند و انسانها است. یکی از این پاکبازان و عارفان شیخ اجل سعدی شیرازی است.

این جستار که با عنوان «بازتاب نیایش در قصاید سعدی شیرازی» و با روش تحلیلی-توصیفی انجام گرفته است بر آن است که به تحلیل ابیات نیایشی درقصاید سعدی همراه با شواهد شعری پردازد.

کلمات کلیدی: سعدی، تحمید، مناجات، قصاید.

بیان مسأله

نیایش در لغت به معنای راز و نیاز و طلب و درخواست از معبود ازلی و ابدی است و معادل آن در ادب عربی کلمه دعا می‌باشد. معانی مختلفی برای کلمه دعا در فرهنگ‌های لغت ذکر شده است از قبیل فراخواندن، دعوت کردن، صدا زدن و... کلمات دعا و نیایش تقریباً به یک مفهوم در ادبیات فارسی به کار می‌روند. نیایش یکی از روحانی‌ترین لحظات زندگی هر انسان مؤمن است. شیوه‌ها و شکل‌هایی برای راز و نیاز با معبود در همه ی ادیان آسمانی متناسب با تلقی و درک مؤمنان از دین فراهم شده است و شاعران هم به عنوان دارندگان روح‌های لطیف و حساس در اشعار خود مناجات‌هایی نغز و دلنشین آورده‌اند که از لطیف‌ترین درونمایه‌ها و فرازهای آثارشان می‌باشد. بهترین سرآغاز هر نوشته یا شعر بر پایه این شیوهٔ پسندیده فصلی در نیایش خداوند است و هیچ گنجی از گنج‌های حکمت



و معرفت گشوده نمی‌شود، مگر آن که وصف یگانگی آفریدگار هستی کلید آن باشد. سعدی در میان شاعران سبک عراقی مقام والایی در موضوعات و مضامین نیایشی دارد. او زاهدانه نیایش می‌کند و گاهی رنگ عرفانی به آن می‌دهد. هدف این پژوهش بررسی جلوه‌های نیایش در آثار سعدی است و این که نیایش حاصل کدام رویکرد و نیاز نیایشگر است. آثار سعدی خاصه گلستان و بوستان او، در یک نگاه اجمالی مناجات و راز و نیاز آحاد گوناگون اجتماعی با خداوند است و سعدی مناسب حال هر گروه و طبقه اجتماعی در مقام دانای کل با زاویه دید اول شخص سخن می‌گوید.

تعریف واژه‌ها و اصطلاحات

نیایش

باتوجه به اینکه نیایش اساسی‌ترین نیاز در انسان و معبودش می‌باشد و نیز در بیشتر آثار ادبی فارسی بکار گرفته شده، لذا ضروری می‌نماید که درباره این کلمه و معانی مختلف آن بحث شود. در برهان قاطع ذیل کلمه **نیایش** آمده است:

نیایش به معنی آفرین و تحسین و دعایی است که از روی تضرع باشد این کلمه در زبان پهلوی nyayishn (پرستیدن) و در زبان ایرانی باستان nighayishn و در سانسکریت nyayati (آواز خواندن) بوده است. نیاییدن مصدری بوده که در فارسی میانه به کار رفته و به معنی با مویه و نرم نرم سخن گفتن است. این نوع سخن گفتن مخصوص اعمال عبادی به خصوص راز و نیازهایی بوده که در هنگام نیاز و برای برآوردن حاجت به درگاه خداوند انجام می‌شده است. «خلف تبریزی، ۱۳۳۸: ۶۷». «محمدتقی جعفری» درباره نیایش معتقد است آن حالت روحی که میان انسان و معبودش رابطه انس ایجاد نموده و کشش برقرار می‌سازد، نیایش نامیده می‌شود (نورپها، ۱۳۷۵: ۱۱۷).

دعا

دعا در لغت به معنی طلب فعل است (عسگری، ۱۳۵۲: ۵۶) و در اصطلاح، طلب کردن چیزی از خداوند و یاری خواستن از اوست (راغب اصفهانی، بیتا: ذیل واژه دعا) همچنین در تعریف دعا آورده‌اند که ندا کردن خداوند است با گریه و زاری برای آن که از دعا کننده دفع عذاب کند یا مطلوبش را برآورده سازد. در اصطلاح علمای بلاغت: «دعا یعنی طلب کردن دانی از عالی با تضرع و خشوع» (نوری، ۱۳۷۹: ۵۱۱).

از نظر ابن عربی دعا به ضم دال، در لغت به معنای خواندن کسی، حاجت خواستن، مدح و ثنا و نیایش و امثال آن آمده است و در عرف علما کلام انشایی است که دال بر طلب باشد با خضوع و آن را سؤال نیز نامند. ابن عربی در اعتبار و اهمیت دعا از حدیث پیامبر بهره می‌گیرد: الدعاء مخ العباده؛ دعا مغز عبادت است، زیرا با مغز، اعضای دیگر بدن قوت می‌گیرند (سعیدی، ۱۳۸۴: ۲۸۰).

لغت دعا جایگاه خاصی در بین مسلمانان، بلکه جهانیان دارد و بارها در قرآن کریم آمده است. به همین جهت، دعا، تبتل، ابتهال، تضرع، مطلق خواندن و صدا کردن، ندا، صدا، آواز، درخواست، طلب حاجت، مناجات، قنوت، ندبه، ذکر، سجده، رکوع، سجود، تسبیح، مسئلت، التماس، حمد، ثنا و... از معانی غنی دعا و نیایش بر می‌آید که در فارسی ما آن را خواندن، نیایش، کرنش، زاری، راز و نیاز، ارتباط قلبی با خدا، می‌نامیم (عطاری، ۱۳۸۳: ۲۶۷).

اما حمد نه مدح خالص است و نه سپاسگزاری خالص. می‌توان گفت ترکیب مدح و سپاسگزاری، حمد است؛ یعنی مقامی که هم لایق ستایش است و هم لایق سپاسگزاری. ستایش به خاطر عظمت و جلال و حسن و کمال و سپاسگزاری به دلیل نیکی‌ها و احسان و نعمت‌های فراوانی که به ما بخشیده است. به نظر مطهری



بعید نیست که در معنی حمد مفهوم دیگری نیز چون پرستش دخالت داشته باشد. پس در مفهوم حمد سه عنصر در آن واحد دخالت دارند: ستایش؛ سپاس؛ پرستش. وقتی می‌گوییم الحمدلله حمد مخصوص خداوند است. تنها سیاست‌گذاری نکرده‌ایم بلکه مفهوم ستایش و پرستش هم در آن گنجانده شده است. خداوند را به دلیل این که یگانه ذات شایسته پرستش است ستایش و سپاس و پرستش می‌کنیم (عسکری، ۱۳۵۲: ۳۲۹).

مناجات

مناجات مصدر عربی از باب مفاعله و ریشه آن کلمه نجو (نجا) است. راغب اصفهانی در معنی مناجات آورده است: «مناجات کردن با کسی، همان به راز سخن گفتن است و در اصل سخن گفتن با کسی در سرزمین بلند و دور از چشم دیگران است» در متون ادب فارسی از میان واژگانی که هم معنی نیایش آورده‌اند، مناجات بیشتر از لغات دیگر به این تعریف نزدیک است. می‌توان مناجات را در اصطلاح خاص دینی چنین تعریف کرد: مناجات راز و نیاز گفتن بنده به درگاه خداوند است که معمولاً در خلوت از روی صفای قلب و رقت احساس، به منظور استغفار و جلب یاری و ترحم وی انجام می‌گیرد. (راغب اصفهانی: بی تا؛ ۲۳۴)

ذکر

یاد کردن، بر زبان راندن، به معنای یاد، آوازه، صیت، ثناء، دعا و ورود و جمع آن اذکار است. ذکر به معنای چندی به کار رفته است که عبارتند از: ۱- به معنی خلاف نسیان و فراموشی. چون قول خدای تعالی: «و فانساه الشیطان ذکر ربّه» (یوسف/ ۴۲) ۲- تلفظ و ذکر لسان «فأذکروا الله کثیراً» ۳- احضار امری در ذهن به نحوی که همواره بماند و غایب نشود و همین معنی نیز خلاف نسیان است. ۴- الفاظ وارده ی خاص ۵- مواظب بر عمل ۶- ذکر قلب ۷- طاعت و جزا ۸- صلاه ۹- بیان ۱۰- حدیث ۱۱- قرآن ۱۲- علم ۱۳- شرف ۱۴- حفظ غیب ۱۵- شکر ۱۶- نماز جمعه ۱۷- نماز عصر (راغب اصفهانی: بی تا؛ ۳۴۵).

محتوا و مضمون نیایش

نیایش مراتبی دارد که از درخواست حل مشکلات و رفع نیازهای مادی و دنیوی آغاز می‌شود و سپس اوج می‌گیرد و به حاجات روحی می‌رسد. در مناجات بسته به حالات مختلف نیایشگر ممکن است عواطفی چون شادی و غم، بیم و امید، عجز و ناتوانی و یا صمیمیت و دوستی جلوه‌گری می‌نماید، اما روح کلی حاکم بر همه ی مناجات‌ها معمولاً احساس عجز و ناتوانی است. آدمی از خدای خود هر چه بخواهد ناشی از نیازمندی است و این نیاز برخاسته از فقر و بیچارگی است در خلوت از روی عشق معبود را می‌ستاید و یا از عجز و نیاز می‌نالد و گاهی نیز از معبود خویش ملتسمانه چیزی را می‌طلبد. هر نیایش الزاماً شامل همه قسمت‌های یاد شده نیست بلکه گاهی یک یا دو مورد از آن را در بر می‌گیرد اما مناجات‌های کامل معمولاً هر سه قسمت را دارا هستند. ثناء و ستایش خداوند بزرگ به دو شکل است؛ یکی تسبیح و دیگری تحمید.

الف) تسبیح

یعنی تنزیه، خدا را از آن چه که ذات او مبراست دور بدانیم و از آن چه که در شأن مخلوقات است، برتر بدانیم. کلمه «سبحان» یعنی من خدا را تسبیح و تنزیه می‌کنم از هر آن چه که من می‌فهمم و خدا برتر و بالاتر از آنهاست. ثنای الهی نظیر اقرار به توحید است که مجموع نفی و اثبات است. وقتی می‌گوییم لا اله الا الله معبودیت غیر را نفی می‌کنیم و ذات او را اثبات می‌نماییم. ثنای الهی هم همیشه نفی است و اثبات؛ نفی آن همین است که منزله است از... ولی حمد توصیف پروردگار است به صفات اثباتی؛ او را ستایش می‌کنیم که همه نعمت‌ها از اوست، همه کمالات از اوست و به او بر می‌گردد.



ب) تحمید

در لغت به معنی مبالغت کردن در حمد و نیک ستودن و پی در پی ستایش کردن است و در اصطلاح علوم ادبی به معنای بسیار حمد گفتن برای خدا و ذکر نام و ادای احترام به پیامبر اسلام محمد مصطفی (ص) در صدر خطبه‌ها و دیباچه کتابها است. پس حمد توصیف پروردگار است به صفات اثباتی. مجلسی گوید: تحمید گفتن «الله اکبر» است و تحمید «الحمد لله» است و تسبیح «سبحان الله» است و تهلیل «لا اله الا الله» است و ثنا آن است که نعمت‌هایی که خداوند بر بنده عطا فرموده بشمارد (ستوده، ۱۳۶۴: ۱۵).

مرجع حمد صفات کمال است و «الله اسماء الحسنی» از این جهت در «الحمد لله رب العالمین» حمد را به خود تخصیص فرمود. اظهار عجز یکی از شرایط یا لوازم نیایش و مناجات است.

تا نگرید کودک حلوا فروش بحر رحمت در نمی آید به جوش

(مشوی، ۲: ۴۴۲)

نیاز انسان به نیایش

انسان نیازمند نیایش است و نیایش ارتباطی است که انسان با خدای خود برقرار می‌کند. هدف نهایی ادیان ایجاد چنین ارتباطی است و دعا و نیایش این امکان را برای بشر فراهم می‌کند که او بتواند به رغم همه محدودیت‌هایی که دارد خود را در وضعیت متعالی تر قرار دهد. در همه ادیان بر دعا تاکید شده است. کسی که دعا می‌کند امیدوار است و به وجود خدا ایمان دارد و خود ایمان، برای روح و قلب انسان مفید است. این ایمان به بشر آرامش می‌بخشد. آلا به ذکر الله تطمئن القلوب (عد/۲۸) هر انسانی با توجه به معرفت خود دست به دعا برمی‌دارد. انسان‌های آگاه و عارف دعای برتر و دعایی عارفانه دارند و انسان‌های معمولی دعایی معمولی دارند. دعا ممکن است برای رزق و روزی باشد که البته این هم بد نیست چه اینکه خواندن خدا به هر بهانه‌ای نیکو و مفید است چه برای نان باشد و چه برای نجات روح و چه برای بهبود وضعیت زندگی سایر مومنان و یا سایر در ماندگان ما باید بدانیم اگر چه دعا دارای مراتب است اما بهتر است که انسان به مراتب بالاتر دعا توجه داشته باشد. در دعا هم باید، رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند، اگر دعا برای خدا باشد و برای قرب به او باشد آن دعا والا است.

سخنی کوتاه درباره سعدی

الشیخ الامام المحقق ملک السلام افضح المتکلمین ابو محمد مشرف الدین (شرف الدین) مصلح بن عبدالله بن مشرف السعدی شیرازی، شاعر و نویسنده بزرگ قرن هفتم هجری قمری است. سعدی بزرگترین شاعری ست که بعد از فردوسی در آسمان ادب فارسی درخشیده است و هنوز می‌درخشد. در نام و نسب و تاریخ وفات این استاد ارجمند میان نویسندگان و مولفان قدیم اختلاف است. اما بنا بر آنچه از تحقیق در منابع موثق بر می آید نام و نسب درست او همان است که در آغاز آمده است. تاریخ ولادت او را به قرینه سخن او در گلستان می‌توان در حدود سال (۶۰۴-۶۰۱) دانست و در شیراز در میان خاندانی که خود گفته است همه عالمان دین بوده اند چشم گشود.

در جوانی به بغداد رفت و در آنجا در مدرسه نظامیه و حوزه‌های دیگر به درس و بحث و تکمیل علوم دینی و ادبی پرداخت در اواسط قرن هفتم به شیراز باز آمد و در نزد اتابک ابوبکر مخصوصاً پسر او که سعد نام داشت و شیخ انتساب به او را تخلص شعری خود قرار داد و قدر و منزلتی بسزا داشت، سعدی در سن ۹۰



سالگی بین سالهای (۶۹۴-۶۹۰) درگذشت و در شیراز که گویا محلی که خانقاه و جایگاه عبادت او بود و امروز زیارتگاه عاشقان علم و ادب و شیفتگان کمال و معرفت است بخاک سپرده شد.

کتاب بوستان در راس آثار منظوم سعدی قرار دارد که در نسخه های کهن سعدی نامه نامیده شد و بعدها به بوستان شهرت یافته است. این منظومه در اخلاق و تربیت، پند و تحقیق است و در ده باب عدل، احسان، عشق، تواضع، رضا، ذکر، تربیت، شکر، توبه و مناجات و ختم کتاب است سعدی تاریخ اتمام بوستان را چنین آورده است.

به روز همایون و سال سعید
به تاریخ فرخ میان دو عید
ز ششصد فزون و پنجاه و پنج
که پردر شد این نامبردار گنج

در سال بعد از تالیف بوستان یعنی ۶۵۶ گلستان را تالیف کرد سعدی در مقدمه ی آن این چنین نوشت:
در آن مدت که ما را وقت خوش بود ز هجرت شش صد و پنجاه و شش بود
دو کتاب گرانقدر و بی مانند وی یعنی گلستان و بوستان که هر دو از آثار گرانقدر و بلا منازع زبان فارسی است مانند غزلیات و قطعاتش بیوسته مورد توجه و علاقه محققان و دانشمندان و سرمشق متکلمان و مترسلان و مونس شیفتگان ادب فارسی است و همه از خرمن سخن این نویسنده و شاعر بزرگ خوشه می چینند و شهد سخن او را همچون شکر می خورند و از کلامش بهره می گیرند.

نیایش در قصاید سعدی:

دراولین قصیده ی دیوان، سعدی طبق معمول سخن خود را به ذکر صفات جمیل خداوند آراسته است. نیایش در چند بیت ابتدایی این قصیده دیده می شود. در این قصیده شاعر با بهره گیری از آیات قرآنی که در بیت چهارم آمده رنگ و بوی خاصی به آن بخشیده است. سعدی در این قصیده خود را تسلیم محض خداوند می - داند که هر چه دارد از اوست. اگر او را عطا دهد و یا عذاب کند کسی زهره چون و چرا ندارد. و اینک متن قصیده را می آوریم:

شکروسپاس و منت و عزت خدای را
پروردگار خلق و خداوند کبریا

دادار غیب دان و نگهدار آسمان
رزاق بنده پرور و خلاق رهنما

اقرار می کند هر دو جهان بریگانگیش
یکتا و پشت عالمیان بر درش دو تا

سبحانَ مَنْ يُمِيتُ وَيُحْيِي وَلَا إِلَهَ
أَلَا هُوَ الَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ

دریای لطف اوست و گرنه سحاب کیست
تا بر زمین مشرق و مغرب کند سخا

یاد تو روح پرور وصف تو دلفریب
نام تو غمزدای و کلام تو دلریا



فَاغْفِرْ لَنَا بِفَضْلِكَ يَا سَامِعَ الدُّعَا

أَنْ شَأْنَا تَبْلُطِفِكُنَا يَا صَانِعَ الوجودِ

(قصاید: ۱)

قصاید سعدی مملو از معارف دینی و احادیث ائمه اطهار است. حتی بعضی از ابیات قصیده حکم مثل سائر را یافته است مانند این بیت:

بی خاتم رضای تو سعی امل هبا

بی سکه قبول تر ضرب عمل دغا

(همان: ۱)

و در این بیت خود را مدهوش نعمتهای الهی می بیند که هرگز نمی تواند شکر آنرا بجا آورد:

ما خود کجا و وصف خداوند آن کجا؟

در کم ترین صنع تو مدهوش مانده ایم

(قصاید: ۱)

و در این بیت اشاره به آیه «مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» در سوره نجم دارد.

رایش نه از طبیعت و نطقش نه از هوا

الهامش از جلیل و پیامش ز جبرئیل

(همان: ۱)

در بعضی ابیات اشاره به عارفانی دارد که شب در لباس مناجات و معرفت الهی هستند و روز در گمنامی به سر می برند چون این بیت:

شب در لباس معرفت و روز در قبا

مردان راحت از نظر خلق در حجاب

(همان: ۱)

ابیات نیایشی خصوصاً در آخر قصیده بوضوح دیده می شود و تعداد این ابیات به ۱۳ بیت می رسد که اولین بیت خود را با نام حسین (ع) سالار شهیدان و شهدای کربلا شروع می کند، شاید دعایش مورد قبول واقع شود. سعدی نیایش خود را با این نامهای مبارک زینت داده است.

یا رب به خون پاک شهیدان کربلا

یا رب به نسل طاهر اولاد فاطمه

یا رب به آن دیده مردان آشنا

یا رب به صدق سینه پیران راستگوی

ای نسام اعظمت در گنجینه شفا

دلهای خسته را به کرم مرهمی فرست



و امید بسته از کرمت عفو مامضا

یا رب خلاف امر تو بسیار کرده‌ایم

روزی که رازها رفته از پرده برملا

یا رب به لطف خویش گناهان ما بپوش

وز ما چنان که در خور ما فعل ناسزا

همواره از تو لطف و خداوندی آمده ست

باز از کمال لطف تو دل می‌دهد رجا

دل های دوستان تو خون می‌شود زخوف

کان را که رد کنی نبود هیچ مُلتجا

یا رب قبول کن به بزرگی و فضل خویش

حاجت همیشه پیش کریمان بود روا

ما بندگان حاجتمندیم و تو کریم

ما در خور تو هیچ نکردیم رُبنا

کرد تو آنچه شرط خداوندی تو بود

اصلاح قلب را چه محل پیش کیمیا؟

سهل است اگر به چشم عنایت نظر کنی

دستی و گرنه هیچ نیاید زدست ما

اولی تر که هم تو بگیری به لطف خویش

(قصاید: ۱)

گاهی اوقات سعدی جهت بقای عمر فرمانروای زمان خویش به نیایش پرداخته است. همانند این بیت در ستایش اتابک مظفرالدین سلجوقشاه:

بدخواه را جزا دهد و نیکخواه را

یا رب دوام عمر دهش تا به قهر و لطف

(همان: ۲)

مردان خدا کسانی هستند که در شب چراغ دلشان به نور معرفت الهی روشن است و مشغول مناجات با حق هستند و فقط به لطف او امید دارند.

روشانان را به حقیقت شب ظلمانی نیست

شب مردان خدا روز جهان افروز است

تو بیخشی که درگاه تو را ثانی نیست

تا امید از در لطف تو کجا شاید رفت

(همان: ۱۸)

نیایش‌های سعدی گاهی اوقات آمیخته با ستایش است. در جایی پس از ثنای پیامبر(ص) این چنین نیایش می‌کند:

مرا افزون شود بی آن که از ملک تو کم گردد

خداوندا گر افزایی بدین حکمت که بخشیدی



(همان: ۵)

سعدی در بیشتر قصاید خود نعمت‌های الهی را ذکر می‌کند که خود نوعی نیایش است:

بحر آفرید و بر و درختان و آدمی خورشید و ماه و انجم و لیل و نهار کرد

از چوب خشک میوه و درنی شکر نهاد وز قطره دانه‌ی ذُرر شاهوار کرد

(قصاید: ۶)

در جایی دیگر سعدی همه کائنات را نیایشگر خداوند می‌داند حتی پرندۀ ای که بر شاخساری آواز می‌خواند:

توحید گوی او نه بنی آدمند و بس هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد

(همان: ۶)

سعدی گاه قصیده را در خدمت ممدوح می‌گیرد و شریطه‌ی آن را با ستایش او به پایان می‌رساند و در مدح «بنتِ سعد» این گونه از خدا می‌خواهد:

خدا را دشمنش جایی بمیراد که هیچش دوست بر بالین نباشد

(همان: ۷)

و در جایی سعدی پس از مدح «شمس الدین محمد حسین علقانی» این چنین برایش دعا می‌کند:

نیک خواهان تو را خاتمت نیکو باد بدسگالان تو را عاقبت نامحمود

برروان پدر و مادر اسلاف تو باد مدد رحمت ایزد عدد رَمَلِ زرود

(همان: ۹)

و در قصیده بهاریه معروفش طبق معمول پس از حمد و ثنای خداوند در بیت‌های پایانی این چنین نیایش می‌کند:



شکر انعام تو هرگز نکند شکر گزار

نعمتت بارخدا یا ز عدد بیرون دست

تاب قهر تو نداریم خدا یا ز نهار

ناامید از در لطف تو کجا شاید رفت

به خداوندی خود پرده بپوش ای ستار

فعلهایی که ز ما دید و نپسندی

یا رب از هر چه خطا رفت هزار استغفار

جزای عمر گرانمایه که در لغو رفت

یا نگویم که تو خود مطلعی بر اسرار

درد پنهان به تو گویم که خداوند منی

(قصاید: ۱۰)

در بیتی دیگر حتی کافر را نیایش گر خداوند می داند زیرا همه کمر به اطاعت او بسته اند:

جای آن است که کافر بگشاید ز نزار

آنکه باشد که نبندد کمر طاعت او

(همان: ۱۰)

و در جای دیگر انسانی که دل با او ندارد و توجه به او نمی کند صورت بر دیوار است:

به صورتی ندهد صورتی است بر دیوار

هر آدمی که نظر با او ندارد و دل

(همان: ۱۱)

و در جایی دیگر پس از ستایش ممدوح خود این چنین برایش دعا می کند:

امیدوار قبول از میهن غفار

برای ختم سخن دست بردعا داریم

همیشه تا که زمین را بود قرار و مدار

همیشه تا که فلک را بود تقلب دور

نگاهداشته از نایب لیل و نهار

نبات عمر تو باد و دوام عافیت

ز تخت و بخت و جوانی و ملک برخوردار

تو حاکم همه آفاق و آنکه حاکم توست

(قصاید: ۱۲)

و در پایان قصیده این چنین نیایش می کند:

National Conference on Future Studies, Humanities and Development

کنفرانس ملی آینده پژوهی علوم انسانی و توسعه

FHD2015.ir



شیراز مهرماه ۱۳۹۴

و زبای عمر برخوردار دار

یا رب الهامش به نیکوئی بده

در کنارت باد و دشمن برکنار

جاودان از دور گیتی کام دل

(همان: ۱۳)

ساده گویی از خصوصیات شعر سعدی است؛ لذا همه ی مردم سخن او را می پذیرند. اغلب اشعار او بر سر زبان ها جاری است. در کنار قرآن و دیوان حافظ معمولاً بوستان و گلستان سعدی در هر خانه ای دیده می شود. سعدی مردم را توصیه می کند که خداوند را به خُفیه و راز بخوانند؛ زیرا دعای مخفیانه مستجاب است:

گرش بلند بخوانی و گر به خفیه و راز

کریم عز و جل غیب دان و مطلع است

ز بی نیاز خواه آنچه بایدت به نیاز

بر آرد دست تضرع بیار اشک ندم

بر آستان خداوند گار بنده نواز

سرامید فرود آرو روی عجز بمال

ببند بر همه عالم خصوص بر شیراز

به نیکمردان یارب که دست فعل بدان

(همان: ۱۵)

و در قصیده ای که بیشتر شباهت به غزل دارد، در مدح سیف الدین محمد این چنین برایش دعا می کند:

چه دعا گویم ای امیراجل

همه کامی و دولتی داری

دیده بر دوخته به تیر اجل

دشمنت خود مباد و گر باشد

(همان: ۱۶)

همان گونه که می دانیم نه تنها سعدی در شعر فارسی تبحر دارد، بلکه در شعر عربی نیز ید طولایی دارد و در قصیده ای مَلَمَعُ این چنین می گوید:

أَنْتَ رَجَائِي وَ عَلِيكَ إِتْكَال

رَبِّ أَعْيُنِي وَ أَقْلُ عَثْرَتِي

(قصاید: ۱۷)

اغلب قصاید سعدی نیز در بند و موعظه است حتی جائی که مشغول مدح و ستایش ممدوح خویش است هدف او موعظه و نصیحت او است و در قصیده ای می گوید:

National Conference on Future Studies, Humanities and Development

کنفرانس ملی آینده پژوهی علوم انسانی و توسعه

FHD2015.ir



شیراز مهرماه ۱۳۹۴

که ره نمی برد آنجا قیاس و وهم و خیال

ثنای عزت حضرت نمی توانم گفت

به خیر کن که همین است غایه الآمال

ختم عمر خدایا به فضل و رحمت خویش

که وهم منقطع است از سرادقات جمال

بر آستان عبادت وقوف کن سعدی

(همان: ۱۸)

حتی در جائی دعا می کند خیر و برکت خداوند بر ممدوح فروریزد و خیر توسط او صورت پذیرد:

اندر دل وی افکن و بر دست وی بران

یا رب هر چه رای صواب است و فعل خیر

تا آن زمان که پیرشوی دولتت جوان

یا رب دعای پیر و جوانت رفیق باد

وای سایه خدای بسی سالها بمان

ای آفتاب ملک بسی روزها بتاب

(همان: ۲۲)

در جائی دعا می کند که خداوند جوهر ایمان او را از شر شیطان حفظ کند و عبادت او را به طور تمام و کمال پذیرد:

ملک الموت واقف شیطان

یا رب آندم که دم فرو بندد

تو نگه دار جوهر ایمان

کار جان پیش اهل دل سهل است

(قصاید: ۲۳)

سعدی پس از موعظه و نصیحت ممدوح تملک واقعی را از آن خداوند می داند و بس آنجا که می گوید:

خدای عز و جل راست ملک بی پایان

به نوشتند ملوک اندرین سپنج سرای

(همان: ۲۴)

و در جای دیگر می گوید:

کاو روز و شب نمی طلبد جز رضای تو

یا رب رضای او تو برآور به فضل خویش

(همان: ۲۸)

National Conference on Future Studies, Humanities and Development

کنفرانس ملی آینده پژوهی علوم انسانی و توسعه

FHD2015.ir



شیراز مهرماه ۱۳۹۴

و از خداوند می‌خواهد که قلم عفو بر گناهان کشد و توبه‌اش را بپذیرد:

جریده گنهم عفو باد و توبه قبول سپیدنامه و خوشدل به عفو بارخدای

(همان: ۳۰)

سعدی فرزند زمان خویش است و بواسطه ستایش پادشاهان کسب روزی می‌کند لذا در دعای ممدوح خویش می‌گوید:

سایه لطف خدا داعیه راحت خلق شاه گردن کش، دشمن کش عاجز بخشای

(همان: ۳۱)

و در جای دیگر می‌گوید:

بیخش بارخدا به فضل و رحمت خویش که دردمند نوازی و جرم بخشایی

زدرگه کرمت روی ناامیدی نیست کجا رودمگس از کارگاه حلوایی

(همان: ۳۲)

در بیت دوم تشبیه ضمنی وجود دارد. همانگونه می‌بینیم سعدی به خوبی از آرایه‌های مختلف ادبی در شعرش بهره می‌گیرد و این نتیجه اطلاع او از معارف قرآنی ناب و احادیث نبوی (ع) است. چنان که می‌دانیم هر چه شاعران با قرآن مأنوس تر باشند توفیقشان در القای مفاهیم و مضامین اشعار بیشتر است.

سعدی نیز با قرآن مأنوس است. سعدی خداوند را «ربّ الارباب» یعنی خدای خدایان می‌داند:

یا رب از جنس ما چه خیر آید تو کرم کن که ربّ اربایی

(قصاید: ۳۳)

و در جای دیگر ممدوح خود را باز هم دعا می‌کند:

عمرت دراز باد نگویم هزار سال زیرا که اهل حق نپسندند باطلی

نفست همیشه پیرو فرمان شرع باد تا بر سرش ز عقل بداری موگلی

تا بلبلان به ناله درآیند بامداد هرگه که سربر آورد از بوستان گلی



سعدی دعای خیر تو گویان چو بلبل

همواره بوستان امیدت شکفته باد

(همان: ۴۰)

سعدی در همه انواع ادبی طبع آزمایی کرده است و از عهده هر کدام بخوبی برآمده، حتی در ترجیع بند نیز ممدوح خود را دعا کرده است آنجا که می گوید:

خداوندش به رحمت در رساناد

سرآمد روزگار سعد زنگی

شراب از دست پیغمبر ستاناد

جزای تشنه مردن در غریبی

نثار رحمتش برسرفشاناد

در آن عالم خدای از عالم غیب

خدایش هم به این آتش نشاناد

هر آنکس دل نمی سوزد بدین درد

محمّد نامبردارش بماناد

در این گیتی مظفرشاه عادل

به خوی صالحانش پروراناد

سعادت پرتو نیکان دهادش

به اوج روح و راحت گستراناد

روان سعد را با جان بویکر

همی بینم که عنوانش به خون است

نمی دانم حدیث نامه چون است

(ترجیع بند: ۱)

و در جای دیگر از زبان ممدوح خود ستایش و نیایش می کند:

خدای پاک به فضل و کرم بیامرزاد

روان پاک ابوبکر سعد زنگی را

که شمعان مکارم زپیش بفرستاد

امید هست که شب گور روشن بود براو

(قصاید: ۴۴)

هدف از ابداع قصیده مدح ممدوحان و پادشاهان زمان خود بوده است سعدی نیز به تبع دیگر قصیده سرایان معروف، قصیده را به اوج رسانید. البته با این تفاوت که بعضی از شاعران قصیده را وسیله ی تکسب کرده بودند؛ اما سعدی علاوه بر آن هدف دیگری نیز دارد و آن موعظه و اندرز است سعدی قالب قصیده را در خدمت پند و اندرز می گیرد همراه با نیایش و دعا:

بدان حیات بکن زین حیات خرسندش

به لطف خویش خدایا روان او خوش دار



بگویم آنرا نیک نیست مپسندش

یکی دعای تو گویم یکی دعای عدوت

به خانه باز رود اسب بی خداوندش

هر آنکه پای خلاف تو در رکیب آورد

(همان: ۴۵)

در جای دیگر در مرثیه ابوبکر سعد بن زنگی این گونه برایش دعا می کند:

که قائم است به اعلاء دین و اظهارش

خدا یگان زمان و زمین مظفردین

دوام عمر برده سالهای بسیارش

بزرگوار خدا یا به فر و دولت و کام

به راستان که ز ناراستان نگه دارش

به نیک مردان کز چشم بد پرهیزش

درست باز نیاید حساب پرگارش

که نقطه تا متمکن نباشد اندر اصل

(قصاید: ۴۷)

سعدی نه تنها برای بقای دولت زمان خویش دعا کرده بلکه در زوال حاکمان نیز دعا کرده است آنجا که می گوید:

در پناه شاه عادل پیشوای ملک و دین

یا رب این رکن مسلمانی به امن آباد دار

(همان: ۴۸)

سعدی شیرازی نه تنها شعر فارسی سروده بلکه به زبان و ادب عربی احاطه کامل دارد. او دارای تعدادی قصیده عربی است که در این قصاید رنگ و بوی نیایش دیده می شود. متن تعدادی از این ابیات به همراه ترجمه در ذیل آورده می شود:

و عند هجوم الناس یألف بالعدو

۱- لَحَى اللهُ مَنْ يُسَدِّى إِلَيْهِ بِنِعْمِهِ

(قصاید عربی: ۱)

خداوند زنده کند کسی را که نعمتش را به او ارزانی کرد هنگامی که مردم به عذر و نافرمانی روی آوردند.

وَالْعَالَمُونَ حَيَارَى دُونَ إِحْصَائِهِ

۲- فَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا لَا يُحَاطُ بِهِ

(همان: ۳)

پس سپاس خدایی را که سپاسی پایان ناپذیر باشد تا جائیکه دانیان از شمردن آن عاجز باشند.



سَأَلْتُكَ الْعَفْوَ، إِنِّي مُخْطِئٌ نَاسٍ

۳- یا وَاَعِدِ الْعَفْوَ عَمَّا أَخْطَأُ وَاوَسُّوا

فَمَا عَلَيَّ الْخَلْقِ يَا بَشْرًا مِّنْ بَأْسٍ

۴- إِنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لِي مِّنْ جَرَأِهِ سَلَفْتُ

(همان: ۷)

ای کسی که از خطاهای آنها می‌گذری و فراموش می‌کنی، از تو طلب بخشش می‌کنم که من شخصی خطا کار در میان مردم هستم. اگر خداوند مرا به خاطر این سخن ببخشد که عذاب پادشاه بر مردم از خداوند بیشتر است.

استنتاج

در هر دوره و در بسیاری از آثار مهم ادبی ایران و جهان، بیان، تفسیر، اشاعه و گسترش اصول مذهبی هدف اصلی شاعران و نویسندگان بوده است. شعرا و نویسندگان نامی و شهر همواره در پی این بوده اند که اصول مذهبی را به گونه ای شیرین در کتب و نوشته های خود بیاورند و از این دست نمونه های ادبی و نوشتاری در زبان فارسی بسیار هست که سعدی شیرازی نمونه ای ماندگار و برجسته در تاریخ ادب ایران زمین و بلکه جهان است.

ادبیات فارسی به خصوص شعر، گنجینه ای است که تقریباً تمام فعالیت های عقلی و ذوقی ایرانیان را در خود جای داده است. تعالیم مذهبی و خداشناسی نیز یکی از این مباحث است که در حوزه ی این فعالیت ها قرار می گیرد. نیایش و پرستش خداوند در صد قابل توجهی از حکایت ها و اشعار سعدی را به خود اختصاص داده است و در فرهنگ اسلامی پیشینه ای بسیار دارد و هر یک از اندیشمندان دنیای اسلام آن را به گونه ای خاص از دیدگاه و منظری ویژه مورد تحلیل و بررسی قرار داده اند در میان شاعران و عارفان ایرانی سعدی بیشتر از دیگران این فریضه را در آثار خود نمایان کرده است. از مجموع مباحث مطرح شده چنین نتیجه گیری می شود که سعدی، از نیایش در آثار خود و در موضوعات مختلف بهره گرفته که می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مدح و ستایش خداوند در قصاید و آن هم در بیشتر موارد با ذکر نعمت های خداوند است.
- مدح پیامبر اعظم (ص) و دیگر خلفا که البته در این ستایش ها پیامبر و حضرت علی (ع) بر دیگران مقدم هستند و این امر نشان دهنده عشق سعدی به اهل بیت است.
- سعدی اغلب قصاید خود را به نیایش تخصیص داده و این امر نشان دهنده اهمیت بالای این موضوع نزد اوست.
- گاه سعدی ممدوح خود را در قصیده ستایش و بعد از آن به نیایش پروردگار می پردازد و برای او عمر با عزت از خداوند می خواهد.
- سعدی در ضمن قصاید گاهی اوقات از مفاهیم قرآنی نیز بهره گرفته است که در آنها رنگ و بوی نیایش دیده می شود.



فهرست منابع :

-قرآن کریم.

- اصفهانی، راغب؛ **المفردات القرآن الکریم**، مرتضویه، تهران، بی تا.

- الهی قمشه ای، مهدی؛ **شرح صحیفه سجاده**، کومه، قم، ۱۳۸۵.

- برازش، علی؛ **پژوهشی پیرامون دعا در فرهنگ اسلامی**، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲.

- حافظ، محمد؛ **دیوان اشعار**، به همت دکتر قاسم غنی و محمد قزوینی، زوار، تهران، ۱۳۸۴.

- حقانی، فرزاد؛ **دعاونیاپیش در دیوان شمس**، کارشناسی ارشد، دانشگاه بهشتی، تهران، ۱۳۷۲.

- حسینی، سیدعلی؛ **اسرار نیایش**، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۹.

- خلف تبریزی، محمدحسین؛ **لغت نامه**، به اهتمام دکتر محمد معین، زوار، تهران، ۱۳۳۸.

- ربانی، محمدحسین؛ **راه بهشت**، انجام کتاب، تهران، ۱۳۸۲.

- زمردیان، احمد؛ **علی و کمیل**، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۵.

- زمانی، کریم؛ **میناگر عشق**، نشر نی، تهران، ۱۳۸۲.

- _____؛ **شرح مثنوی معنوی**، جلد ۲، اطلاعات، تهران، ۱۳۸۴.

- زرین کوب، عبدالحسین؛ **شعری دروغ، شعری نقاب**، نی، تهران، ۱۳۸۸.

- _____؛ **سرنی**، نی، تهران، ۱۳۶۴.

- ستوده، غلامرضا؛ **درآمدی بر تحمیدیه در ادب فارسی**، ماجد، تهران، ۱۳۶۴.

- سروش، عبدالکریم؛ **حدیث بندگی و دلبردگی**، صراط، تهران، ۱۳۷۵.

- سعیدی، گل بابا؛ **فرهنگ اصطلاحات عرفانی**، شفیعی، تهران، ۱۳۸۴.



- سنایی، مجدودبن آدم؛ **حدیقه الحقیقه**، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

- شکبیا، پروین؛ **صدشاعر**، حکمت، تهران، ۱۳۸۰.

- صفاء ذبیح اله؛ **گنج سخن**، ج اول، ابن سینا، تهران، ۱۳۸۸.

- عطار نیشابوری، فریدالدین؛ **مصیبت نامه**، تصحیح دکتر روحانی، زوآر، تهران، ۱۳۳۸.

- _____؛ **دیوان اشعار**، سنایی، تهران، ۱۳۶۸.

- _____، **اسرارنامه**، تصحیح دکتر صادق گوهرین، زوآر، تهران، ۱۳۸۴.

- _____؛ **الهی نامه**، تصحیح دکتر روحانی، زوآر، تهران، ۱۳۸۶.

- _____؛ **منطق الطیر**، تصحیح دکتر صادق گوهرین، علمی، تهران، ۱۳۸۶.

- فروغی، محمدعلی؛ **سیر حکمت در اروپا**، جامی، تهران، ۱۳۸۵.

- _____؛ **کلیات سعدی**، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲.

- فریدونی، مجید؛ **رمزورازنیایش**، کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۷۲.

- قدیانی، عباس؛ **تاریخ ادیان و مذاهب در ایران**، فروهر، تهران، ۱۳۸۱.

- کرمانی، محمد؛ **دعاونیایش**، چاپ اول، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۳.

- کارل، الکسیس؛ **نیایش**، ترجمه دکتر علی شریعتی، تهران، ۱۳۷۹.

- کارگر، علی؛ **انسان و نیایش**، نشرقم، چاپ اول، ۱۳۷۵.

- کارنگی، دیل؛ **آیین زندگی**، ترجمه م. آذین فر، اسکندری، تهران، ۱۳۸۰.

- مسعودی فر، جلیل؛ **معرفت شناسی مولانا**، آهنگ قلم، مشهد، ۱۳۸۲.

- مطهری، مرتضی؛ **آشنایی با قرآن**، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۸۲.



- مزدپور، کتابون؛ سروش پیر مغان، ثریا، تهران، ۱۳۸۱.

- مُشیدی، جلیل؛ نگرشی بر اندیشه‌های مولانا، چاپ اول، اراک، ۱۳۸۴.

- نظامی گنجه ای، الیاس بن یوسف؛ لیلی و مجنون، شرح محمدآیتی، علمی، تهران، ۱۳۸۲.

- _____؛ مخزن الاسرار، شرح وحید دستگردی، قطره، تهران، ۱۳۷۶.

- نوری، نظام الدین؛ جلوه ی علی (ع) در ادب فارسی، زهره، ساری، ۱۳۷۹.

- نوریها، حسنعلی؛ پرورش در پرتو نیایش، قم، ۱۳۷۵.

- ملک ثابت، مهدی؛ بررسی و تحلیل مناجات‌های منظوم فارسی، تهران، ۱۳۸۰.

- هوگو، ویکتور؛ بینوایان، ترجمه حسن مُستعان، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۹.

- یزدی، محمود؛ نیایش در قرآن، قطره، تهران، ۱۳۷۸.

Archive of SID